



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

روایات تفسیری نقش مهمی در فهم مراد و مقصود خداوند متعال ایفا می‌کنند و در واقع به استناد آیه‌ی شریفه‌ی ۴۴ سوره‌ی نحل: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» وظیفه‌ی تبیین آیات قرآن کریم بر عهده‌ی پیامبر (ص) است. اما باید توجه داشت که در گزینش و نقل روایات تفسیری، دقت نظر خاصی لازم است و در واقع به هر روایت تفسیری نمی‌توان اعتماد نمود.

سوره‌ی مائده، آخرین سوره از سوره‌های طوال قرآن است که در اواخر ایام حیات رسول خدا (ص) بر ایشان نازل شده است. غرض از این سوره، دعوت به وفای به عهد و پایداری در پیمان‌ها و تهدید به تحذیر شدید از شکستن آن و بی‌اعتنایی نکردن به امر آن است و اینکه عادت خدای تعالی بر رحمت و آسان کردن تکلیف بندگان و تخفیف دادن به کسی جاری شده که تقوا پیشه کند و ایمان آورد و باز از خدا بترسد و احسان کند. نیز بر سخت‌گیری به کسی جاری شده که پیمان با امام خویش را بشکند و گردن‌کشی و تجاوز را آغاز نماید و طاعت امام را ترک گوید و حدود و میثاق‌هایی را که در دین گرفته شده، بشکند (اخوان مقدم و دانشی کهن، ۱۳۹۶: ۳۵).

محتوای دعوتی سوره‌ی مائده، در آیات ۱۱۲ تا ۱۱۵ این سوره‌ی مبارکه استمرار یافته است و در این آیات که نام سوره نیز از آن‌ها اخذ شده، به درخواست حواریون عیسی (ع) از ایشان مبنی بر نزول مائده‌ی آسمانی و درخواست عیسی (ع) از خداوند مبنی بر اجابت این درخواست اختصاص دارد. تفسیرهای گوناگونی در طول تاریخ پیرامون این آیات صورت پذیرفته و کیفیت نزول ماده و واقعی یا تمثیلی بودن داستان در آن‌ها بررسی و تحلیل شده است. در این میان روایات تفسیری در منابع تفسیری و روایی فریقین وجود دارد که به کیفیت نزول مائده، نوع مائده‌ی آسمانی، عاقبت

سریچی از فرمان الهی و... اشاره کرده‌اند. اما برخی از این روایات تفسیری دارای برخی اشکالات سندی و دلالتی هستند. پژوهش حاضر به تحلیل انتقادی روایات تفسیری ذیل آیات ۱۱۲ تا ۱۱۵ سوره‌ی مائده اختصاص دارد و در این راستا پرسش پژوهش این است که به روایات تفسیری ذیل آیات ۱۱۲ تا ۱۱۵ سوره‌ی مائده چه انتقاداتی وارد است؟

۱-۱. پیشینه‌ی تحقیق

پژوهش‌های مستقلی در مورد سوره‌ی مائده تاکنون صورت گرفته است که بیشتر در حوزه‌ی تفسیر ساختاری سوره است؛ از جمله‌ی این آثار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- پایان‌نامه: «بررسی تناسب آیات در سوره‌ی مائده» نوشته‌ی سید مرتضی حسینی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه معارف اسلامی، ۱۳۹۶.

- پایان‌نامه: «تفسیر روایی سوره‌ی مبارکه‌ی مائده، آیات ۵۵ تا ۶۷ بر پایه‌ی روایات اهل بیت (ع)»، نوشته‌ی زهره بیگم موسوی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه قرآن و حدیث، ۱۳۹۱.

- مقاله: «بررسی ساختار جمله‌ی انشایی امر و اغراض آن در سوره‌ی مائده»، نوشته‌ی سعید زهره‌وند و همکاران، مجله مطالعات قرآنی، شماره‌ی ۳۸، پاییز ۱۳۹۸.

- مقاله: «بازخوانی تفسیر سوره‌ی مائده با تکیه بر کلیدواژه‌های آن»، نوشته‌ی مهدی رستم‌زاد، مجله مطالعات تفسیری، شماره‌ی ۴۱، بهار ۱۳۹۹.

اما باید گفت در هیچ یک از آثار مذکور، تحلیل روایات ذیل آیات ۱۱۲ سوره‌ی مائده و همچنین تحلیل داستان نزول مائده، صورت پذیرفته است و نوآوری پژوهش حاضر، پرداختن تخصصی به روایات تفسیری ذیل این آیات با رویکرد انتقادی است.

۲. آشنایی اجمالی با محتوای سوره‌ی مائده

«مائده» از ماده‌ی «مید» که به معنی حرکت و اضطراب است و به مناسبت جریان حرکت و تحولات در روزی، مائده، از جهت غذاهای مختلف و تغییر مواضع آن‌ها، اطلاق به خوان می‌شود (مصطفوی، ۱۳۸۰ش، ج ۶: ۳۴۹). نامگذاری این سوره به مائده به این دلیل است که داستان نزول مائده بر یاران مسیح در آیه‌ی ۱۱۴ این سوره ذکر شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۴: ۲۴۱). به گونه‌ای که از احادیث اسلامی و بیانات مفسرین بزرگ بهره‌گیری می‌شود، این سوره، آخرین سوره (و یا از آخرین سوره‌هایی) است که بر پیامبر (ص) نازل گردیده است. در تفسیر عیاشی از امام باقر (ع) نقل گردیده که امام علی (ع) فرمود: «سوره مائده دو یا سه ماه قبل از رحلت پیامبر (ص) نازل شد» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۸۸). بنابر حدیثی هم‌ی این سوره در حجة‌الوداع و میان مکه و مدینه نازل گردیده است (رشیدرضا، بی‌تا، ج ۶: ۱۱۶). سوره‌ی مائده ۱۲۰ آیه، ۲۸۰۴ کلمه و ۱۱۹۳۳ حرف دارد. این سوره «العقود» و «المنقذه» هم نامیده شده است. این سوره، طبق ترتیب نزول، صد و دوازدهمین سوره است که در مدینه نازل گردیده و مدنی است و طبق چینش سوره‌ها در قرآن، پنجمین سوره و بعد از سوره‌ی نساء قرار دارد (رامیار، ۱۳۶۹: ۵۸۳).

تدبر در آیات این سوره و موعظه‌ها و داستان‌های آن، ما را به این نتیجه رهنمون می‌شود که هدف اصلی از این سوره، دعوت به وفای به عهد، پایداری در پیمان و نهی شدید از شکستن آن و بی‌اعتنایی نکردن به آن است و اینکه عادت خداوند متعال رحمت و آسان گرفتن تکلیف بر بندگان و تخفیف دادن به تقوایبندگان و خداترسان و احسان‌کنندگان است. همچنین در این سوره به این معنا تأکید شده که نسبت به کسی که پیمان خود را با امام می‌شکند، گردن‌کشی و تجاوز آغاز می‌کند، عهد و پیمان را

رعایت نمی‌کند، امام را رها می‌کند و حدود و میثاق‌های دین را در نظر نمی‌گیرد، سختگیری شود و برای همین است که مشاهده می‌کنیم که این سوره بر بسیاری از احکام حدود و قصاص و داستان مائده‌ی حضرت عیسی (ع) و درخواست حضرت بر نزول آن و قصه‌ی پسران آدم (ع) و اشاره به بسیاری از ظلم‌های بنی‌اسرائیل و نقض پیمان‌های آن‌ها و بسیاری از آیاتی است که خداوند در آن‌ها به اکمال دین و اتمام نعمت و حلال کردن طبیئات بر مردم و تشریح احکام و دستوراتی که مایه‌ی طهارت ایشان است و در عین حال متضمن عسر و حرج هم نیست، مشتمل است. این‌ها همه مناسب با زمان نزول سوره‌ی مائده بود، چون اهل حدیث و تاریخ اختلافی ندارند که این سوره، آخرین سوره از سوره‌های مفصل نازل شده بر رسول خدا در اواخر روزهای زندگی‌شان بود و در روایات فریقین وارد شده است که این سوره ناسخ است، ولی منسوخ نیست. چون بعد از سوره‌ی مائده سوره‌ای نازل نشد تا آن را نسخ کند و متناسب با این وضع بود که در این سوره به حفظ مواثیق گرفته شده از سوی خدا بر بندگان و پایداری بر حفظ آن‌ها سفارش شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۵: ۱۵۷-۱۵۸).

۲-۱. محتوای سوره‌ی مائده

این سوره حاوی مجموعه‌ای از معارف و عقاید اسلامی و مجموعه‌ای از احکام و وظایف دینی است. در قسمت عقاید اسلامی، به عقایدی شامل مسأله‌ی ولایت و رهبری بعد از پیامبر اکرم (ص)، عقیده‌ی تثلیث در میان مسیحیان، برخی مسائل مربوط به روز قیامت و سؤال از انبیای الهی در مورد امت‌هایشان اشاره شده است. در بخش مربوط به احکام دینی به این مسائل اشاره شده است: وفای به پیمان‌ها، عدالت اجتماعی، شهادت به حقیقت، حرمت قتل نفس، توضیح قسمت‌هایی از غذاهای حلال و حرام و در نهایت بخشی از احکام وضو و تیمم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۴: ۲۴۱).

۳. آیات ۱۱۲ تا ۱۱۵ سورهی مائده

موضوع آیات ۱۱۲ تا ۱۱۵ سورهی مائده پیرامون درخواست مائدهی آسمانی توسط حواریون عیسی (ع) جهت اطمینان قلبی و اجابت این درخواست، توسط خداوند متعال است:

«إِذْ قَالَ الْخَوَارِئِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۱۲) قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ (۱۱۳) قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۱۱۴) قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدَ مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ» (۱۱۵)

(در آن هنگام که حواریون گفتند: «ای عیسی بن مریم! آیا پروردگارت می‌تواند مائده‌ای از آسمان بر ما نازل کند؟» او (در پاسخ) گفت: «از خدا بپرهیزید اگر با ایمان هستید!» (۱۱۲) گفتند: «(ما نظر بدی نداریم،) می‌خواهیم از آن بخوریم و دل‌های ما (به رسالت تو) مطمئن گردد؛ و بدانیم به ما راست گفته‌ای و بر آن گواه باشیم.» (۱۱۳) عیسی بن مریم عرض کرد: «خداوند! پروردگارا! از آسمان مائده‌ای بر ما بفرست! تا برای اول و آخر ما، عیدی باشد، و نشانه‌ای از تو؛ و به ما روزی ده! تو بهترین روزی دهندگانی!» (۱۱۴) (خداوند (دعای او را مستجاب کرد؛ و) فرمود: «من آن را بر شما نازل می‌کنم؛ ولی هر کس از شما بعد از آن کافر گردد (و راه انکار پوید)، او را مجازاتی می‌کنم که احدی از جهانیان را چنان مجازات نکرده باشم!» (۱۱۵) «این آیات، داستان نزول مائده را بر مسیح و یارانش یادآوری می‌کند. گرچه تصریح ندارد به اینکه چنین مائده‌ای نازل شده، لیکن از اینکه آیه آخری مشتمل است بر وعده‌ی

قطعی و بدون قید به اینکه نازل خواهد کرد و از اینکه خدای متعال همانطوری که خودش خود را وصف کرده، تخلف در وعده نمی‌کند، استفاده می‌شود که چنین مائده‌ای نازل کرده است» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۶: ۳۲۴).

در تفاسیر آمده است که حواریون از پیامبرشان طلب مائده‌ی آسمانی کردند، اما در پاسخ «اتَّقُوا اللَّهَ» شنیدند: چون حواریون شیوه‌ی سؤال‌شان از عیسی (ع) کمی بی‌ادبانه بود، به جای سؤال «یا رسول الله»، گفتند: «یا عیسی» و به جای «آیا خدا لطف می‌کند»، گفتند: «آیا می‌تواند؟» و به جای «پروردگار ما»، گفتند «پروردگارت!» (قرائتی، ج ۱۹۰: ۳)

۴. روایت تفسیری مربوط به اختلاف قرائت

اختلاف قرائت یکی از مباحث مهم قرآن پژوهی و از موضوعات بنیادین در حوزه‌های علوم قرآن، تفسیر، فقه و کلام محسوب می‌شود. (عاملی، ۱۴۱۹ق: ج ۷: ۲۰۹) توجه به قرائت قرآن کریم و کیفیت ادای آن، برای ارائه تفسیر صحیحی از قرآن کریم، از آن جهت لازم و ضروری است که گاهی اوقات به واسطه‌ی قرائت‌های متعدد از یک آیه، برخی از وجوه و معانی احتمالی بر برخی دیگر ترجیح می‌یابند. گاهی اوقات نیز توسط همین اختلاف قرائت‌ها معنی آیه آشکارتر و واضح‌تر می‌گردد. بنابراین نقش اختلاف قرائت‌ها در تفسیر را می‌توان در ارائه کردن بیش از یک معنی برای لفظ و یا آیه خلاصه نمود. (متولی، ۱۴۲۰ق: ۴۱) پس از رحلت نبی مکرم (ص) و به دلایل گوناگونی از جمله اجتهاد برخی صحابه، شهادت و رحلت جمع زیادی از قاریان و حافظان قرآن کریم، عدم وجود اعراب و نقطه‌گذاری در رسم الخط عرب و... قرائت‌های گوناگون دیگری نیز در میان مسلمانان به وقوع پیوست. روشن است که

اختلاف قرائت‌ها طی ادوار و مراحل شکل گرفته، درمباحث قرآنی راه یافته و بخش قابل توجهی از مناظرات علوم قرآنی را به خود اختصاص داده است. (خویی، ۱۳۸۵: ۲۱۶) اختلافات قرائت انواعی دارد که عبارتند از: «اختلاف در اعراب و بناء کلمات، اختلاف در حروف کلمه، اختلاف در شکل کلمه، اختلاف در تقدیم و تأخیر کلمات و اختلاف در زیاده و نقصان» (معرفت، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۱۷-۱۱۹).

در تفسیر عیاشی ذیل آیه‌ی شریفه‌ی ۱۱۲ سوره‌ی مائده: «إِذْ قَالَ الْخَوَارِئُونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ مَوْمِنِينَ» روایتی پیرامون اختلاف قرائت بیان شده که طبق قرائت مذکور در این روایت، مفهوم آیه تغییر پیدا می‌کند. در این روایت می‌خوانیم:

«عن يحيى الحلبي في قوله «هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ» قال قرائتها هل تستطيع ربك

يعني هل تستطيع أن تدعو ربك» (عیاشی، ۱۳۸۰ ش، ج ۱: ۳۵۰)

بررسی سندی روایت نشان می‌دهد تنها یک فرد در سند روایت وجود دارد و آن فرد «یحیی الحلبي» است. با مراجعه به کتاب‌های رجالی پیرامون شخصیت این فرد مشاهده گردید که پیرامون وی تنها به گزاره‌ی «له کتاب» بسنده شده است و هیچ گونه مدح و ذمی در مورد این شخصیت بیان نگردیده است (خویی، ۱۳۹۰ ق، ج ۲: ۷۱).

در بررسی دلالتی روایت باید گفت طبق قرائت آیه‌ی شریفه، «يستطيع» فعل مضارع مرفوع و اول شخص و فاعل آن «رب» است (علوان، ۱۴۲۷ ق، ج ۱: ۵۶۹). در این صورت تفسیر آیه چنین می‌شود: «هل يقدر على أن يعطيك ربك إن سألته» (بلخی، ۱۴۲۳ ق، ج ۱: ۵۱۷). طبق اختلاف قرائت در روایت مذکور، «تستطيع» به صورت مضارع مخاطب قلمداد گردیده و خطاب آیه تغییر یافته و به جای خداوند متعال، متوجه عیسی (ع) است و طبق این عبارت و گزاره‌ی بعدی روایت، آیه این‌گونه

ترجمه می‌شود: «آیا تو می‌توانی که پروردگارت را بخوانی؟» در اینجا است که معنای آیه از اصل خویش تغییر می‌یابد و این بر خلاف مراد و مقصود خداوند متعال است. خاطر نشان می‌گردد قرائت با «تاء» از آیهی «یستطیع» از سوی برخی مفسران اهل سنت نیز بیان گردیده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۶۰۱).

۵. بررسی روایات کیفیت مائدهی آسمانی

در تفسیر عیاشی از عیسی‌ای علوی از پدر ایشان از حضرت باقر (ع) نقل گردیده که فرمودند: مائده‌ای که بر بنی اسرائیل نازل گردید، با زنجیرهای طلایی از آسمان آویزان شده و شامل بر ۹ تا ماهی و ۹ قرص نان بود:

«عن عیسی العلوی عن أبیه عن أبي جعفر قال المائدة التي نزلت علی بنی اسرائیل مدلاة - بسلاسل من ذهب علیها تسعة ألوان أرغفة» (عیاشی، ۱۳۸۰ش، ج ۱: ۳۵۰).

در منابع اهل سنت نیز پیرامون نوع و تعداد غذای نازل شده (مائدهی آسمانی)، روایاتی تفسیری بیان گردیده است؛ به عنوان مثال در «تفسیر القرآن العظیم» ابن ابی حاتم رازی وجوه چهارگانه در این زمینه مطرح گردیده است. وجه نخست از عمار بن یاسر از پیامبر (ص) نقل شده که: مائده‌ای از نان و گوشت از آسمان نازل شد و فرمان داده شده که خیانت نکنند، ولی قوم خیانت کردند و مسخ شدند. وجه دوم: قتاده از خلاص از عمار نقل کرده که مائدهی نازل شده، میوه‌ای از میوه‌های بهشت است. وجه سوم: از ابن شهاب از ابن عباس نقل شده که مقصود، نزول هفت ماهی و هفت قرص نان است. وجه چهارم از سلمان نقل شده و طبق مضمون آن، مقصود از مائده، سفره‌ای سرخ‌رنگ بین دو ابر است؛ در حالی که آن‌ها به آن نگاه می‌کردند و از مدار آسمان به سمت ایشان سقوط می‌کرد (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ۱۲۶۳-۱۲۶۴). وجه چهارم روایی

این آیه در تفسیر «الدرالمنثور» نیز با تفصیل بیشتری بیان گردیده است (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۳۴۶).

مضمون این روایات تفسیری تا حدی با یکدیگر مشابه است و از نزول نوعی مائده و غذا از آسمان برای حواریون سخن به میان می‌آورد؛ ولی تفاوت‌هایی در مصداق غذای نازل شده وجود دارد. نزدیک به مضمون روایات در نزول مائده و نوع آن را می‌توان در بخش‌هایی از انجیل نیز یافت، اما تفاوت‌هایی در این زمینه به چشم می‌خورد.

در انجیل‌های چهارگانه‌ی کنونی، هیچ بیانی از مائده در قالبی که در قرآن وجود دارد، یافت نمی‌شود. هر چند در انجیل یوحنا باب ۲۱ مبحثی در مورد اطعام و پذیرایی اعجاز‌آمیز مسیح از گروهی از مردم با نان و ماهی به میان آمده، ولی با اندک توجهی مشخص می‌شود که ارتباطی با موضوع مائده‌ی آسمانی و حواریون ندارد. در کتاب اعمال رسولان که از منابع عهد جدید است هم در مورد نزول مائده بر یکی از حواریون به نام پطرس سخنی به میان آمده، اما آن نیز غیر از آن است که ما در مورد آن بحث می‌نماییم. اما از آنجا که مطلعیم بسیاری از حقیقت‌هایی که بر عیسی (ع) نازل شد، در انجیل‌های کنونی وجود ندارد؛ همان گونه که بسیاری از مطالبی که در انجیل وجود دارد، بر مسیح (ع) نازل نشده، مشکلی از این حیث در جریان نزول مائده پدید نخواهد آمد (بلاغی، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۲۳۹).

۶. تحلیل انتقادی روایات مبتنی بر تمام نشدن مائده‌ی آسمانی

روایاتی تفسیری ذیل آیات مورد مطالعه وجود دارد که اولاً از تمام نشدن مائده‌ی آسمانی و از بین رفتن آن‌ها سخن به میان آورده است؛ به‌عنوان مثال، در مجمع‌البیان از عمار بن یاسر از رسول الله (ص) نقل شده که فرمود: «مائده، عبارت بود از نان و

گوشت. و این برای آن بود که آنان از مسیح طعامی خواسته بودند که هر چه بخورند تمام نشود. آن گاه فرمود: خطاب شد به آنان که این مائده در بین شما خواهد بود و تمام نخواهد شد؛ مادامی که خیانت نکنید و از آن چیزی پنهان نکنید و این سر را به دیگران نگوئید، و لیکن آنان روز را به شام نرساندند، مگر اینکه هم از آن برداشته و پنهان کردند و نیز به یکدیگر خیانت نمودند و هم سر خود را فاش ساختند» (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۳: ۲۶۴).

به این روایت نقدهایی مطرح است. طبق این حدیث تفسیری، ایشان درخواست غذایی نمودند که هرگز پایان نپذیرد. این موضوع با ظاهر آیه، طبق آنچه خداوند از منظر ایشان حکایت داشته که گفتند: «وَ نَكُونُ عَلَيْهِم مِّنَ الشَّاهِدِينَ»، کاملاً مطابق نیست؛ چرا که طعامی که از بین رفتنی نبوده و تا قیام قیامت ماندگار است، چه نیازی دارد به اشخاصی که به معجزه بودن آن گواهی بدهند؛ مگر اینکه مقصود از شهادت، در قیامت و در نزد خداوند باشد. «حواریون در پاسخ عیسی مشخص کردند که آنها قصد بهانه‌جویی و عناد ندارند؛ بلکه هدف آنها از این درخواست چند چیز است: یکی اینکه گرسنه‌اند می‌خواهند غذا بخورند؛ دیگر اینکه می‌خواهند به اطمینان قلبی نایل شوند و ایمانشان به خدا به مرحله بالای یقین برسد و دیگر اینکه به صدق دعوت مسیح و اینکه به‌راستی او از جانب خدا آمده، یقین حاصل کنند و دیگر اینکه پس از نزول مائده همه جا بر آن شهادت دهند و این معجزه را پیش همه مردم نقل کنند. اینها هدف‌های مشروع و قابل قبولی بود و غیر از خوردن که یک هدف مادی و در عین حال مشروعی بود، بقیه هدف‌ها جنبه معنوی داشت و این شهادت مخصوص همان زمان و عصر است و شامل دیگر زمان‌ها نمی‌شود» (جعفری، ۱۳۷۵ش، ج ۳: ۳۱۰).

پس لازمه‌ی معجزه بودن طعام این است که مربوط به زمان و دوره‌ی زمانی خاصی باشد که مربوط به همان درخواست حواریون است. لذا روایت در زمینه‌ی باقی ماندن آن تا روز قیامت با متن آیه‌ی شریفه تا حدودی در تضاد است.

۷. تحلیل انتقادی روایات مبنی بر مسخ بنی اسرائیل

برخی روایات تفسیری ذیل آیات ۱۱۲ تا ۱۱۵ سوره‌ی مائده نقل شده که طبق مضمون آن‌ها، مائده کیفیت خاصی داشت و حواریون از مسیح غذایی خواسته بودند که هر چه بخورند، تمام نشود. آن‌گاه به ایشان خطاب شد که این طعام تا زمانی که خیانت نکنید و این سر را به دیگران نگویند و از آن چیزی پنهان نکنید، تمام نمی‌شود. اما آن‌ها به یکدیگر خیانت کردند و آن را پنهان کرده و سر آن را نیز فاش کردند. بنی اسرائیل به جرم همین خیانت‌شان به صورت میمون و خوک مسخ شدند: «و أخرج الترمذی و ابن جریر و ابن ابی حاتم و ابن الأَثیر فی کتاب الأضداد و أبو الشیخ و ابن مردویه عن عمار بن یاسر قال قال رسول الله صلی الله علیه و سلم أنزلت المائدة من السماء خبزاً و لحماً و أمروا ان لا یخونوا و لا یدخروا لغد فخانوا و ادخروا و رفعوا الغد فمسخوا قرده و خنازیر» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۳۴۸).

انتقادی که بر این روایت مطرح است، پیرامون نحوه‌ی عذاب است که در روایت، مسخ شدن به شکل میمون بیان گردیده است. طبق آیه‌ی شریفه، عذاب ایشان به گونه‌ای خواهد بود که کسی تاکنون آن را درک نکرده است: «قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزَّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ» (المائده/۱۱۵).

اما مسخ شدن عذابی است که قبلاً در ماجرای تخلف بنی اسرائیل، گریبانگیر ایشان شده است. در این زمینه در آیه‌ی ۶۵ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره می‌فرماید: «وَلَقَدْ

عَلِمْتُمْ الَّذِينَ اعْتَدُوا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ». (به طور قطع از حال کسانی از شما که در روز شنبه نافرمانی و گناه کردند، آگاه شده‌اید! ما به آنها گفتیم: «به صورت بوزینه‌هایی طردشده درآیید!») «خلاصه ماجرا چنین بود: خداوند به یهود دستور داده بود، روز «شنبه» را تعطیل کنند. برخی از آنان که در کنار دریا زندگی می‌کردند، به عنوان آزمایش فرمان یافتند از دریا در آن روز ماهی نگیرند، اما از قضا روزهای شنبه که فرا می‌رسید، ماهیان بسیاری بر صفحه آب ظاهر می‌گشتند، آنها به فکر حيله‌گری افتاده و با یک نوع کلاه شرعی روز شنبه از آب ماهی گرفتند، خداوند ایشان را به جرم این سرپیچی مجازات نمود و چهره ایشان را از صورت انسان به حیوان متحول نمود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۱: ۲۹۷). بنابراین طبق این آیه‌ی شریفه بنی‌اسرائیل به دلیل عصیان و نافرمانی به صورت حیوان مسخ شدند. از سویی دیگر، در آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی مائده، وعده‌ی غذایی به صورتی که تاکنون کسی مشاهده نکرده، مطرح گردیده است. اما عذاب مسخ قبلاً در مورد بنی‌اسرائیل مطرح گردیده بود. لذا این موضوع باعث به چالش کشیده شدن روایات تفسیری مذکور می‌گردد.

۸. مخالفت روایات با علم تجربی

یکی از معیارهای پذیرش یا عدم پذیرش حدیث، موافقت یا مخالفت آن با تجربه و علوم روز است. لذا اگر حدیثی با حس و تجربه یا علوم روز موافقت نداشته باشد، و لو از جهت متن و سند دچار مشکل نباشد، قطعیت صدور آن حدیث از معصوم (ع) نزد علما ثابت نیست (آشناور و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۷). البته باید توجه داشت مقصود از تجربه و علم، نتایج قطعی و غیرقابل خدشه است، نه فرضیه‌های علمی که ممکن

است در آینده خلاف آن اثبات شود. همچنین نباید موافقت روایات غیرقطعی را با فرضیه‌های اثبات نشده به عنوان موافقت دین و علم به حساب آورد. در تفسیر تسنیم می‌خوانیم: «... اما اگر در مسائل علمی محتوای روایات غیرقطعی مانند اخبار آحاد را به طور قطعی به حساب دین بگذاریم و با برخی فرضیه‌های علمی موجود نیز تطبیقی کنیم، با تبدیل آن فرضیه به فرضیه دیگر، دین در نظرها موهون خواهد شد. چنانکه گروهی با تحمیل ره‌آورد هیئت بطلمیوسی بر قرآن، به چنین وضع نامطلوبی مبتلا شدند» (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ج ۱: ۱۵۹).

اما باید گفت برخی روایات تفسیری به وضوح با دانش تجربی و علوم زیست‌شناسی در تضاد است؛ به‌عنوان مثال می‌توان از نحوه‌ی خلقت برخی موجودات در این زمینه نام برد. ذیل آیات مورد مطالعه، یعنی آیات ۱۱۲ تا ۱۱۵ سوره‌ی مائده نیز این روایات تفسیری متضاد با علوم زیست‌شناسی مشاهده می‌شود؛ به عنوان نمونه، در حدیثی که کافی از محمد بن حسن از محمد بن یحیی از احمد بن محمد از محمد بن حسن اشعری از امام رضا (ع) نقل نموده، آمده است که امام این گونه فرمودند: «فیل از مسخ‌شدگان محسوب می‌شود. این حیوان پادشاهی بوده که بسیار زنا می‌نمود و نیز گرگ که آن هم عربی جاهل بوده که کار او دیوئی بوده است. خرگوش زنی بوده که به شوهر خویش خیانت می‌نمود و خود را از حیض غسل نمی‌داد. خفاش فردی بوده که خرمای مردم را سرقت می‌کرد. میمون و خوک جزو بنی‌اسرائیل بودند و فرمان دینی روز شنبه را زیر پا نهادند. جریث که گونه‌ای از ماهی است و نیز سوسمار از بنی‌اسرائیل بودند که زمانی که مائده بر عیسی بن مریم نازل گردید، با این وجود ایمان نیاوردند و به دلیل همین گناه مبتلا به سرگستگی و تحیر شدند. برخی به دریاها ریخته و به شکل ماهی درآمدند و برخی در بیابان‌ها پراکنده گردیدند و به شکل سوسمار

مسخ گردیدند. موش از زنان فاسق بوده. عقرب سخن چین و خرس و سوسمار بزرگ و زنبور، قصاب‌هایی بودند که کم‌فروشی می‌نموده‌اند» (کلینی، ۱۳۸۰ش، ج ۶: ۲۴۶).

این روایت در تعارض با نحوه‌ی به وجود آمدن و نیز تکامل این موجودات در علوم زیست‌شناسی است. لذا به دلیل مخالفت با علوم تجربی نمی‌توان این روایات را پذیرفت. مگر اینکه این روایات را تأویل به مسخ باطنی نمود. همان‌گونه که در مورد «کونوا قدرة خاستین» در آیه‌ی ۶۵ سوره‌ی بقره، برخی این مسخ به صورت باطنی معنا کرده‌اند؛ به‌عنوان مثال، مراغی در تفسیرش از استادش نقل کرده که «کونوا قرده خاستین» نص بر رأی جمهور، مسخ جسمانی نیست و منشأ قول مسخ ظاهری چیزی جز نقل نیست (مراغی، بی‌تا، ج ۱: ۱۳۹-۱۴۰) یا در المنار آمده است: «یعنی اخلاقشان مانند اخلاق میمون شد و نزد مردم خوار و بی‌مقدار شدند» (رشید رضا، بی‌تا، ج ۱: ۲۴۳-۲۴۵). ابن‌عاشور نظریه‌ی مجاهد را در این زمینه پیرامون تأویل باطنی این مسخ به واقعیت نزدیک‌تر می‌داند و می‌گوید: «قول مجاهد به تاریخ نزدیک‌تر است؛ زیرا در کتب تاریخ عبرانیان نقل نشده است» (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۱: ۵۲۷).

۹. روایت مبتنی بر جری و تطبیق آیه

جری از نظر لغوی در معنای روان گردیدن و جاری بودن است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۳۰). جری در مفهوم جریان داشتن، عبارتی است که خود ائمه (ع) جهت استمرار پیام قرآن در تمامی زمان‌ها استفاده نموده‌اند و مقصود از آن، منطبق بودن الفاظ و آیات قرآن بر مصداق‌هایی به جز آنچه درباره‌ی ایشان نازل گردیده است؛ به شکلی که از مخاطبان نخستین خود گذر نموده و بر افرادی که در قرون بعد می‌آیند، تطبیق داده می‌شوند (میرباقری، ۱۳۸۰: ۲۳۶).

نظر به اینکه قرآن کریم کتاب همگانی و همیشگی است، در غیب مانند آشکار جریان دارد و به آینده و گذشته، همانند حال انطباق دارد؛ به عنوان مثال آیاتی که در مواقع خاصی برای مؤمنان عصر نزول، تکلیف‌هایی بار می‌کند، مؤمنان که بعد از زمان نزول حائز همان شرایط هستند، بدون کم و کاست، همان تکالیف را دارند و آیاتی که حائزان صفت‌هایی را ستوده یا سرزنش می‌نمایند یا مژده می‌دهد یا بیم می‌دهند، نیز افرادی را که به آن صفات دارا هستند، در هر دوره و در هر مکان که باشند، مشتمل می‌گردد. لذا هرگز مورد نزول آیه‌ای، تخصیص‌کننده‌ی آن آیه نخواهد بود. یعنی آیه‌ای که در مورد فردی یا افرادی معین نازل گردیده، در مورد نزول خود منجمد نگردیده و به هر موردی که در صفات و ویژگی‌ها با مورد نزول آیه در شراکت است، سرایت می‌نماید و این خاصه همان است که در عرف روایات، به نام «جری» نام نهاده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۲: ۲۸؛ دیاری بیدگلی، ۱۳۹۰: ۵۸).

جری و تطبیق، شیوه‌ی اهل بیت (ع) است؛ چه اینکه ایشان آیات قرآن را که مطابق با مواردی به جز موارد نزول باشد، تطبیق می‌نمودند. روایات جری که در صد تطابق آیات قرآن بر اهل بیت (ع) یا بر دشمنان ایشان است، در بخش‌هایی مختلف، بسیار و بلکه بیش از صدها روایت است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱: ۴۲). بدون شک الغای خصوصیت از تعبیرها و مفاد آیات و تطابق بر مصداق برتر یا مصداق‌های متعدد، شکلی تعمیم و وسعت معنایی الفاظ قرآنی را نشانگر است، در دست یازیدن در مفهوم صحیح آن‌ها کمک می‌کند (دیاری بیدگلی، ۱۳۹۰: ۵۸).

قاعده‌ی جری و تطبیق، در روایتی از تفسیر فرات کوفی به سند خود از امام صادق (ع)، ماجرای طولانی از نزول آیات سوره‌ی مبارکه‌ی «الانسان» در شأن اهل بیت (ع) پیرامون بخشش طعام به مسکین، یتیم و اسیر بیان کرده و در بخشی از این

روایت طولانی آورده است: «فَإِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ سَأَلُوا أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ فَأَنْزَلْنَاهَا عَلَيْهِمْ وَكَفَرُوا بِهَا اللَّهُمَّ فَإِنَّ آلَ مُحَمَّدٍ لَأَيْكُفَرُونَ بِهَا» (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ۵۲۵). طبق این روایت، تصریح روایات پیشین مبنی بر کفر ورزیدن بنی اسرائیل، مجدداً تکرار شده است و همچنین این آیه در مورد اهل بیت (ع) نیز جاری دانسته شده است.

نتیجه گیری

۱. قرائت «تستطیع» به جای «یستطیع» در آیه ۱۱۲ سوره ی مائده که در برخی روایات تفسیری فریقین مطرح گردیده، موجب تغییر لحن و خطاب در این آیه ی شریفه می شود و این موضوع موجب تغییر در معنا و چه بسا کژفهمی آیه می گردد.
۲. نوع غذای نازل شده بر حواریون در روایات تفسیری بیان گردیده و تفاوت هایی نیز در این میان مطرح است. برخی روایات تفسیری نوع آن را نان و گوشت، برخی دیگر نان و ماهی و برخی دیگر میوه می دانند.
۳. روایات تفسیری که مبنی بر تمام نشدن طعام آسمانی بیان شده است، با ظاهر آیاتی که در آن ها از شهادت شاهدان سخن به میان آمده، در تعارض است. لذا این روایات از نظر دلالتی غیرقابل پذیرش اند.
۴. روایات تفسیری که ذیل آیات ۱۱۲ تا ۱۱۵ سوره ی مائده پیرامون مسخ بنی اسرائیل به دلیل نافرمانی نقل شده اند، به دلیل اینکه عذاب مسخ در مورد بنی اسرائیل در سوره ی بقره مطرح شده است و در این آیات کیفیت عذاب طوری بیان شده که تاکنون چنین عذابی نیامده باشد، غیرقابل پذیرش اند.
۵. روایات تفسیری پیرامون مسخ بنی اسرائیل به صورت حیوانات مختلف که در ذیل آیات مورد مطالعه بیان شده، به دلیل مخالفت با علوم تجربی و زیست شناسی

غیرقابل پذیرش است؛ زیرا در این روایات، به وجود آمدن حیواناتی مانند میمون، گرگ، سوسمار و ... به دلیل گناه برخی انسان‌ها و مسخ شدن آن‌ها به این شکل عنوان شده که با دانش تکامل و خلقت این موجودات ناسازگار است.

۶. برخی روایات تفسیری ذیل آیات مورد مطالعه درصدد تطبیق آیات به دوره‌ی نزول است که آن را می‌توان با قاعده‌ی جری و تطبیق در تفسیر مرتبط دانست.

کتابنامه

قرآن کریم

آشناور، مهدی و همکاران، (۱۳۹۷). «اعتبارسنجی نقد حدیث بر پایه علوم تجربی»، مطالعات فهم حدیث، سال پنجم، شماره ۱، پاییز و زمستان.

ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق). زادالمسیر فی علم التفسیر، بیروت: دارالکتاب العربی.

بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

_____ (۱۳۹۰). معجم رجال الحدیث، قم: دارالتحقیق.

خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۵). البیان فی تفسیر القرآن، بی‌جا: مؤلف.

ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق). ریاض: مکتبه نزار الباز.

ابن عاشور، محد بن طاهر (بی‌تا). تفسیر التحرير و التنویر، بی‌جا: بی‌نا.

بلاغی، محمدجواد (۱۴۰۵ق). الهدی الی دین مصطفی، بیروت: مؤسسة الأعلمی.

جعفری، یعقوب (۱۳۷۵). تفسیر کوثر، قم: هجرت.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). تفسیر تسنیم، قم: اسرا.

دیاری بیدگلی، محمدتقی (۱۳۹۰). «نقش و کارکرد روایات تفسیری معصومان (ع) با تأکید بر

دیدگاه علامه طباطبایی»، حدیث پژوهی: بهار و تابستان، شماره ۵، ص ۴۳-۶۸.

رامیار، محمود (۱۳۶۹). تاریخ قرآن، تهران: امیرکبیر.

رشیدرضا، محمد (بی تا). تفسیر المنار، بیروت: دارالمعرفة.

سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۲). قرآن در اسلام، قم: انتشارات اسلامی.

_____ (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه‌ی مدرسین وابسته به

حوزه‌ی علمیه.

طبرسی، فضل بن الحسن (۱۳۷۲). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران: فراهانی.

عاملی، محمدجواد (۱۴۱۹ق). مفتاح‌الکرامه، قم: انتشارات جامعه‌ی مدرسین.

علوان، عبدالله بن ناحص (۱۴۲۷ق). إعراب القرآن الکریم، مصر: دارالصحابة.

عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). تفسیر عیاشی، تهران: مکتبه‌ی العلمیه‌ی الإسلامیه.

فرات کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق). تفسیر فرات کوفی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.

قرشی بنابی، علی‌اکبر (۱۳۷۱). قاموس القرآن، تهران: ایرانسال.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۰). کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

متولی، عبدالحمید محمود (۱۴۲۰ق). أضواء علی مناهج بعض المفسرین من زوایا علوم القرآن،

بیروت: اسلامیه.

مراغی، احمد بن مصطفی (بی تا). تفسیر مراغی، بیروت: دارإحیاء التراث العربیه.

مصطفوی، حسن (۱۳۸۰). تفسیر روشن، تهران: مرکز نشر کتاب.

معرفت، محمدهادی (۱۳۷۱). آموزش علوم قرآن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیه.

میرباقری، محسن (۱۳۸۰). ظاهر قرآن، باطن قرآن، تهران: بی جا.

Bibliography

The Holy Quran; Translated by Nasser Makarem Shirazi.

Ashnavar, Mahdi, Ebrahimi, Ebrahim, Hasan-Beigi, Ali, Ehsani, Keyvan, validation of Hadith criticism based on empirical sciences, Hadith Understanding Studies, Year 5, Number 1, Autumn and Winter 2017.

- Ibn-Jozi, Abdur-Rahman-bin-Ali, (1422 AH), Zadal-ul-Masir fi Alam al-Tafsir, Beirut: Dar al-Kitab-al-Arabi.
- Balkhi, Muqatil Ibn Suleiman, (1423 AH), Tafsir Muqatil Ibn Suleiman, Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi.
- _____, (1390), Majam Rijal-al-Hadith, Qom: Dar al-Thaqafieh.
- Khoei, Seyyed Abulqasem, (1385), al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, bi-ja: author.
- Ibn-Abi-Hatam Razi, Abd al-Rahman bin Muhammad, (1419 AH), Riyadh: Nizar al-Baz School.
- Ibn-Ashur, Mohd bin Tahir, (Bita), Tafsir al-Tahrir wa al-Tanvir, bi-ja: bi-na.
- Balaghi, Mohammad Javad, (1405 AH), Al-Hadi Eli Din Mustafa, Beirut: Al-Alami Institute.
- Jafari, Yaqub, (1375), Tafsir Kausar, Qom: Hijrat.
- Javadi Amoli, Abdullah, (1388), Tafsir Tasniyim, Qom: Asra.
- Diari Bidgholi, Mohammad Taghi, the role and function of the interpretive narrations of the innocents (PBUH) with an emphasis on Allameh Tabatabai's point of view, Hadith Research: Spring and Summer 2013, No. 5, pp. 43-68.
- Ramyar, Mahmoud, (1369), History of the Qur'an, Tehran: Amir Kabir.
- Rashid Reza, Mohammad, (Bita), Tafsir al-Manar, Beirut: Dar al-Marafa.
- Siyuti, Jalal-al-Din Abd al-Rahman, (1404 AH), Al-Dur al-Manthur fi Tafsir al-Mathur, Qom: Ayatollah Marashi Library.
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, (1372). Quran in Islam, Qom: Islamic Publications.
- _____, (1374), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Qom: Society of Teachers affiliated with the seminary.
- Tabarsi, Fazl Bin Al Hasan, (1372), Maja Al Bayan Fi Tafsir Al Qur'an, Tehran: Farahani.
- Ameli, Mohammad Javad, (1419 AH), Miftah al-Karamah, Qom: Modaresin Society Publications.
- Alwan, Abdullah bin Nahas, (1427 AH), Arabization of the Holy Qur'an, Egypt: Dar al-Sahaba.
- Ayashi, Muhammad bin Masoud, (1380), Tafseer Ayashi, Tehran: Al-Ilamiya School of Islam.
- Firat Kofi, Firat bin Ibrahim, (1410 AH), Tafsir Firat Kofi, Tehran: Ministry of Islamic Guidance.
- Qureshi Bonabi, Ali Akbar, (1371). Al-Quran Dictionary, Tehran: Iransal.
- Kilini, Mohammad bin Yaqub, (2010), Kafi, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyeh.
- Mutauli, Abdul Hamid Mahmud, (1420 AH), the light of Ali's methods of some of the interpretations of the Qur'an, Beirut: Islamia.

Maraghi, Ahmed bin Mustafa, (Beta), Tafsir Maraghi, Beirut: Dar Ehiya Al-Trath Al-Arabiyeh.

Mostafavi, Hassan, (2008), Tafsir Roshan, Tehran: Book Publishing Center.

Marafet, Mohammad Hadi, (1371), teaching Quranic sciences, Tehran: Islamic Propaganda Organization.

Makarem Shirazi, Nasser, (1371), Tafsir al-Nashon, Tehran: Dar al-Kitab al-Islami.

Mirbagheri, Mohsen, (2010). Zahir Qur'an, Batin Qur'an, Tehran: Bija.

